

The Priority of "Trend-oriented view" to "Event-oriented view" in Analyzing the Transaction of the Century and Dealing with it (2019-2022)

Hamid Houshangi^١

Mohamad Mohamadi^٢

(Received: 26/12/2022 - Accepted: 05/04/2023)

Abstract

By looking at the deal of the century as an event or by analyzing it as a process, there are two different perspectives, and prioritizing each will lead to a change in the way we deal with it. Confronting the deal of the century is based on either of these two views and given the exploratory nature of the research, this research has no hypothesis. A trend-driven look at the Century Deal makes advertising the spam announcement or details of this map not just an event. Opportunities for every step of the way can guide you through all of your choices and make them your choice as a proposed authority. Sensitive to diplomatic visits, its users and introducers through Zionism, the Palestinian nation's venue to seek legal advice and consolidation of these programs, etc.

Russian Authorities Can Deal Zionist to Deal Supported through mosques Islam can serve as a second-century reference in future priorities with its punishments and sensitivities at least, now choosing the deal of the century and spacecraft and around you too, has provided. A study of Saudi exile revealed that waiting for the turn of the century event to unfold was a process of mental and psychological acceptance by the international community of the destruction of Palestine, and this event-driven view of the century deal has led pro-Palestinian activists to seek an effective response to this. Being an event and attempting to reduce the impact of the announcement event, while the announcement event has a promotional process behind it and identifying the steps and components of the process, can lead to active prevention and action rather than passive response. In this analytical and fundamental research, the method of text analysis

^١ Assistant Professor, Department of Political Science, Imam Sadeq University, Tehran, Iran. (H.houshangi@isu.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-3621-2086>

^٢ PhD student, Department of Regional Studies, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran (Yma.mohammadi@chmail.ir) **Corresponding Author**

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0001-5742-462X>

utilizing library resources has been used.

Keywords: Century deal, Palestine, Zionist regime, Agreement, Quds

اولویت «نگاه روندمحور» به «نگاه رویدادمحور» در تحلیل معامله قرن و مقابله با آن (۲۰۲۲-۲۰۱۹)

حمید هوشنگی^۱

محمد محمدی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶)

چکیده

نگاه به معامله قرن بعنوان یک رویداد و یا تحلیل آن بصورت یک روند، دو دیدگاه متفاوت است که اولویت دانستن هرکدام منجر به تغییر روش مقابله با آن خواهد شد و پرسش این پژوهش نیز تشخیص همین اولویت بندی است که به هدف تشخیص روش درست مقابله با معامله قرن بر اساس یکی از این دو نگاه منجر می شود و با توجه به اکتشافی بودن پژوهش، این تحقیق فاقد فرضیه است. نگاه روندمحور به معامله قرن باعث می شود فضا سازی تبلیغاتی، اعلام قطره چکانی یا یکباره جزئیات این نقشه، یک رویداد تلقی نشود. رویدادی که هر مرحله از آن پس از فراهم آمدن تمام مقدمات اجرا و حتی شکل گیری بخشی از فرآیند اجرا اعلام می شود و مخالفان را صرفاً در موضع واکنش قرار می دهد. حساس بودن بر جزئیات دیدارهای دیپلماتیک، صادرات و واردات از رژیم صهیونیستی، موضع گیری های حمایتی از ملت فلسطین و پیگیری

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (H.houshangi@isu.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-3621-2086>

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه ای دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

(Y.ma.mohammadi@chmail.ir) نویسنده مسئول

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0001-5742-462X>

روندهای حقوقی و تشبیتی این حمایت‌ها و... مؤلفه‌های روندی کنشی برای مقابله با معامله قرن هستند که رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند آنها را در محاسبات دولت‌های اسلامی نسبت به اصل واقعه معامله قرن در اولویت‌های پایین‌تر قرار دهد و حساسیت‌ها را نسبت به آنها کم کند. حال آنکه معامله قرن و فضا سازی رسانه‌ای حول آن بر همین گام‌ها بنا شده است. بررسی مصداقی عربستان نشان داد که انتظار برای رونمایی از رویداد معامله قرن، در حقیقت روندی است که به پذیرش ذهنی و روانی جامعه جهانی از نابودی فلسطین دامن می‌زند و این نگاه رویدادمحور به معامله قرن باعث شده است کنشگران حامی فلسطین بدنبال واکنش مؤثر به این رویداد باشند و تلاش کنند اثر رویداد اعلامی را بکاهند، حال آنکه این رویداد اعلامی روندی اعمالی در پس تبلیغات خود دارد و شناسایی گام‌ها و مؤلفه‌های روند مذکور می‌تواند بجای واکنش منفعلانه به پیشگیری و کنش فعالانه منجر شود. در این تحقیق تحلیلی و بنیادی، از روش تحلیل متن بهره برده از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. واژگان کلیدی: معامله قرن، فلسطین، رژیم صهیونیستی، توافق، قدس

بیان مساله

اصطلاح معامله قرن به طرحی گفته می‌شود که از سوی دولت ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در راستای روند صلح بین دولت فلسطین و رژیم صهیونیستی مطرح شده است و در آن که رژیم صهیونیستی در ازای دریافت امتیازهایی فراتر از تعهدات قبلی سازمان آزادی‌بخش فلسطین و قطعنامه‌های شورای امنیت و الحاق بخش‌هایی از مناطق اشغال شده به خاک خود، با تشکیل دولت مستقل فلسطینی موافقت می‌کند. البته این ظاهر ماجراست و رئیس جمهور آمریکا مدعی است که این طرح قرار است برای پایان دادن به بیش از ۷۰ سال منازعه فلسطین - رژیم صهیونیستی پیشنهاد شود. طبق این طرح فلسطینیان باید از حق بازگشت به سرزمین خود که در طبق قطعنامه ۱۹۴ شورای امنیت به رسمیت شناخت شده، صرف‌نظر کنند (تابناک، ۱۳۹۸). اجرای این طرح هنوز رسماً از سوی آمریکا اعلام نشده است.

نوع نگاه به مسئله‌ای که خود چند سال است فضای رسانه‌ای و سیاسی نظام بین‌الملل را به خود معطوف داشته است، در نوع تحلیل و واکنش به آن بسیار مؤثر خواهد بود و فراتر از آن، عدم درک صحیح از این موضوع می‌تواند به تصمیمات غلط منجر شده و واکنش منفعلانه را جایگزین کنش فعالانه نماید. نگاه به معامله قرن بعنوان یک رویداد و یا تحلیل آن بصورت یک روند، دو دیدگاه متفاوت است که اولویت شناختن هرکدام منجر به تغییر روش مقابله با این مقوله خواهد شد.

نگاه صحیح به مقوله معامله قرن می‌تواند در روش مقابله با آن مؤثر باشد و هدف این پژوهش، بررسی اولویت نگاه روندمحور به نگاه رویدادمحور به مقوله مذکور بوده و به پاسخ سؤالی می‌پردازد که از اولویت و تفاوت این دو نگاه پرسش می‌کند. با توجه به اکتشافی بودن پژوهش، این تحقیق فاقد فرضیه است و از روش تحلیل متن در مسیر پاسخ به سؤال مطرح شده بهره برده و از منابع

کتابخانه‌ای استفاده کرده است و بررسی این پرسش فاقد پیشینه بوده است و جنبه نوآوری این تحقیق نیز همین رویکرد آن است.

چارچوب نظری

«سیاست خارجی» به معنای سیاست یک دولت در چگونگی برخورد با دیگر کشورها است (Cambridge Online Dictionary). کنت والتز و المان، بیشتر سیاست خارجی را متأثر از سیاست بین‌الملل می‌دانند (Waltz, ۱۹۸۸, vol ۱: ۱۸۹-۶, Elman, and ۱۹۹۵, vol ۲: ۲۵, ۱۷۲). اما برخی نیز سیاست داخلی و ایدئولوژی را در تحلیل سیاست خارجی بسیار مؤثر می‌دانند (and Rosato and Schuessler, ۲۰۱۱, vol ۹: ۸۱۳, Walt, ۲۰۰۵, vil ۸: ۲۳, Walt, ۲۰۱۲, vil ۷: ۳۳).

معمولاً برای تجزیه و تحلیل مسائل سیاست خارجی و نظام بین‌الملل، اغلب محققان از رویکردهای غالب در رشته روابط بین‌الملل مانند واقع‌گرایی، آرمان‌گرایی و رفتارگرایی استفاده می‌کنند اما حقیقت آن است که با توجه موقعیت فعلی نظام بین‌الملل شاید بتوان گفت پیچیدگی‌های بافت فرهنگی-مذهبی و تقیدات قومی-قبیله‌ای گوناگون در غرب آسیا، در چارچوب رویکردهای مذکور کارایی چندانی در این راستا نداشته (ایومن، هابیلی و رستمی، ۱۳۹۵: ۵-۹). در این پژوهش از میان نظریات مختلف نظریه «فضاهای ذهنی» انتخاب شد. نوع خاص زبان مسئله مورد تحقیق و ساختار معنایی آن با قابلیت‌های ویژه، زمینه‌ساز روشن شدن لایه‌های متنوعی از معانی است. معناشناسی شناختی از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی شناختی است که بکارگیری آن، بیشترین زمینه‌های مطالعاتی را در تحلیل و توصیف

۱ Cognitive Semantics

۲ Cognitive Linguistics

ساختارهای زبانی و معنایی در زمینه علوم مختلف و متنوع باعث شده است. در شاخه مذکور، ساخت‌های مفهومی قراردادی معناها را می‌سازند که خود ساخت‌های مفهومی مانند دیگر مسائل شناختی، مفاهیم انتزاعی‌ای را باز می‌تابانند که انسان بر حسب تجربیات خویش به آنها شکل ساختاری بخشیده است. یعنی «معنا» از ترکیب دانش‌های دوگانه درون‌زبانی و برون‌زبانی حاصل شده است (صفوی، ۱۳۷۹: ۳۶۷). نظریه «فضاهای ذهنی» که توسط فوکونیه ساخته و پرداخته شد و در دو کتاب فضاهای ذهنی (۱۹۹۴) و نگاهت در اندیشه و زبان (۱۹۹۷) نهایی گشت، یکی از نظریات تأثیرگذار در معناشناسی شناختی است که به بررسی چگونگی ساخت «معنا» در متون مختلف می‌پردازد. و در تلاش است تبیینی را برای بیان فرآیندهای شناختی و اصولی که در ساخت معنا سهیم هستند، ارائه کند. دستاوردهای این رویکرد زمینه‌های مطالعاتی مؤثری را در بررسی ساختارهای مفهومی متون متعدد فراهم ساخته است. این پژوهش نیز بر مبنای نظریه «فضاهای ذهنی» فوکونیه به مطالعه موضوع پرداخته و با تکیه بر مدل دوم آن (یعنی پانزده جزء دوم آن نظریه) پرداخته است (چارچوب نظری برگرفته از مقاله اورکی و نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۴۲-۱۲۱) تا آنچه را فوکونیه مدعی است بر پایه آن می‌توان به تمامی پرسش‌های مطرح در حوزه مطالعه «معنا» پاسخ گفت، ارزیابی کند.

چیستی معامله قرن

معامله قرن اصطلاحی سیاسی است و به طرحی گفته می‌شود که از سوی دولت ترامپ در راستای روند صلح بین دولت فلسطین و رژیم صهیونیستی که رژیم صهیونیستی در ازای دریافت امتیازهایی فراتر از تعهدات قبلی سازمان آزادی‌بخش فلسطین و قطعنامه‌های شورای امنیت و الحاق بخش‌هایی از مناطق اشغال شده به خاک خود، با تشکیل دولت مستقل فلسطینی موافقت می‌کند. رئیس‌جمهور آمریکا مدعی است که این طرح قرار است برای پایان دادن به

بیش از ۷۰ سال منازعه فلسطین - رژیم صهیونیستی پیشنهاد شود. بر اساس این طرح، بخش‌های دیگری از فلسطین شامل نیمی از کرانه باختری و بخشی از بیت‌المقدس شرقی که از نظر جامعه جهانی به دولت فلسطین تعلق دارد، به رژیم صهیونیستی واگذار می‌شود و در عوض رژیم صهیونیستی با تشکیل کشور مستقل فلسطینی در نیمه دیگر کرانه باختری و تمام نوار غزه و تنها چند محله از بیت‌المقدس شرقی موافقت می‌کند. بر اساس این طرح، شهر ابودیس بجای بیت‌المقدس بعنوان پایتخت فلسطین در نظر گرفته خواهد شد. همچنین طبق این طرح، فلسطینیان باید از حق بازگشت به سرزمین خود که طبق قطعنامه ۱۹۴ شورای امنیت به رسمیت شناخت شده، صرف‌نظر کنند. اجرای این طرح هنوز رسماً از سوی آمریکا اعلام نشده است. در این طرح مناطق، روستاها و محله‌های عربی که عمدتاً فلسطینیان در آن سکونت دارند به حکومت خودگردان فلسطین واگذار خواهد شد و یک معبری نیز برای فلسطینیان برای تردد به مسجدالاقصی در نظر می‌گیرد (تابناک، ۱۳۹۸). معامله قرن پیشنهادهایی نیز برای پایان دادن به مشکل آوارگان فلسطین و شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی دارد.

این معامله شامل انتقال مالکیت محله‌ها و نواحی نزدیک به قدس مانند «بیت حنینا»، «شعفاط»، «کفر عقب» و «راس خمیس» به تشکیلات خودگردان فلسطین می‌شود. این طرح، پیشنهادی مبنی بر تشکیل کشور فلسطین در ابتدا در حدود نیمی از کرانه باختری، تمامی نوار غزه و برخی محله‌های قدس از جمله «بیت حنینا»، «شعفاط» و اردوگاه آن، «راس خمیس» و «کفر عقب» مطرح می‌کند و در کنار آن، شهرک قدیمی و محله‌های اطراف آن همچون «سلوان»، «الشیخ جراح» و «جبل‌الزیتون» را برای رژیم صهیونیستی باقی می‌گذارد.

بر اساس این طرح، بخش‌هایی دیگری از فلسطین شامل: نیمی از کرانه باختری، بخشی از بیت‌المقدس شرقی و ... که حتی از نظر جامعه جهانی به

سیاست خارجی هند در قبال غرب آسیا... ۴۹

دولت فلسطین تعلق دارد، به رژیم صهیونیستی واگذار می‌شود و در عوض رژیم صهیونیستی با تشکیل کشور مستقل فلسطینی در نیمه دیگر کرانه باختری و تمام نوار غزه و تنها چند محله از بیت‌المقدس شرقی موافقت می‌کند. طبق این طرح فلسطینیان باید از حق بازگشت به سرزمین خود (که در قطعنامه ۱۹۴ شورای امنیت به رسمیت شناخت شده) صرف‌نظر کنند.



سرزمین‌های فلسطین، روی این نقشه به ۳ بخش تقسیم شده است. هم‌اکنون سازمان ملل متحد مناطق زرد کمرنگ را بعنوان بخش‌های تحت حاکمیت رژیم

سیاست خارجی هند در قبال غرب آسیا... ۵۱

صهیونیستی به رسمیت می‌شناسد. بر اساس معامله قرن، دولت فلسطین باید بخش‌های دیگری از خاک فلسطین از جمله بخش‌هایی از بیت‌المقدس شرقی (که در این نقشه، اورشلیم معرفی شده) را به رژیم صهیونیستی‌ها واگذار کند و نیز امتیازهای دیگری بدهد تا اجازه داشته باشد به استقلال برسد.

روزنامه صهیونیستی «رژیم صهیونیستی هیوم» نزدیک به بنیامین نتانیاو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، بندهای سندی را منتشر کرد که در محافل وزارت خارجه رژیم صهیونیستی دست به دست می‌شود و هیچ طرفی مسئولیت فاش شدن این بندها را بر عهده نگرفته است. سند مذکور با عبارت «این بندهای معامله قرن پیشنهاد شده از دولت آمریکا» آغاز می‌شود؛ نکته قابل توجه آن است که بسیاری از بندهای نوشته شده در این سند همان نکاتی است که «جرد کوشنر» و «جیسون گرینبلات» فرستاده‌های آمریکا در منطقه مطرح کرده‌اند. البته این روزنامه در گزارشش از خود پرسیده «آیا این همان معامله قرن مورد نظر آمریکاست؟».

نکات اصلی مطرح شده در سند مذکور به ادعای روزنامه رژیم صهیونیستی هیوم به شرح زیر است:

* توافق

توافقی سه‌جانبه میان «رژیم صهیونیستی»، سازمان آزادیبخش فلسطین و حماس امضا شده و دولت فلسطینی جدیدی به نام «فلسطین جدید» در اراضی کرانه باختری و نوار غزه بدون شهرک‌های یهودی (صهیونیستی) ایجاد می‌شود.

* تخلیه زمین

تجمع‌های شهرک‌سازی مانند گذشته بدست رژیم صهیونیستی باقی خواهد ماند، شهرک‌های جدا افتاده به آنها ملحق خواهند شد و مساحت تجمع‌های شهرک‌سازی گسترش می‌یابد تا به شهرک‌های جدا افتاده برسند.

*** قدس**

قدس تقسیم نخواهد شد و میان رژیم صهیونیستی و فلسطین جدید مشترک خواهد بود، ساکنان عربی (فلسطینی‌ها) انتقال پیدا می‌کنند تا جزء اهالی فلسطین جدید شوند. شهرداری قدس (زیر نظر رژیم صهیونیستی)، یکپارچه و مسئول تمام اراضی قدس به استثنای بخش آموزش خواهد شد، بخش آموزش به عهده فلسطین جدید است. فلسطین جدید به شهرداری قدس مالیات ویژه املاک و آب پرداخت خواهد کرد. به یهودیان اجازه خرید منازل عربی داده و به عرب‌ها (فلسطینی‌ها) اجازه خرید منازل یهودی داده نمی‌شود؛ مناطق اضافی دیگری به قدس منضم نمی‌شود و اماکن مقدس مانند امروز باقی خوانده ماند.

*** غزه**

مصر اراضی جدیدی با هدف ساخت فرودگاه، کارخانه، تبادل تجاری و زارعی به فلسطین می‌دهد و فلسطینی‌ها اجازه سکونت در این مناطق را ندارند (حجم این اراضی و قیمت آن با میانجی‌گری کشور مورد تأیید، میان طرف‌ها نهایی می‌شود).

*** کشورهای مورد تأیید**

کشورهایی هستند که موافقت کرده‌اند در اجرایی کردن توافق و حمایت اقتصادی از آن کمک کنند و این کشورها آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای تولیدکننده نفت در (حاشیه) خلیج (فارس) هستند. برای این هدف مبلغ ۳۰ میلیارد دلار در عرض پنج سال برای فلسطین جدید در نظر گرفته است (هزینه انضمام شهرک‌ها به رژیم صهیونیستی از جمله شهرک‌های جدا افتاده بر عهده خود رژیم صهیونیستی است).

* توزیع کمک‌ها میان کشورهای حامی

آمریکا ۲۰ درصد...، اتحادیه اروپا ۱۰ درصد...، کشورهای (حاشیه) خلیج (فارس) ۷۰ درصد که میزان این کمک بر اساس میزان برخورداری آنها از نفت است (اینکه کشورهای مذکور بیشترین هزینه پروژه را بر عهده دارند، بدین صورت تفسیر می‌شود که آنها بیشترین سود را از پروژه مذکور می‌برند).

* ارتش

فلسطین جدید حق داشتن ارتش و سلاح ندارد و تنها می‌تواند پلیس مسلح داشته باشد. توافقی میان رژیم صهیونیستی و فلسطین جدید بسته می‌شود تا بر اساس آن رژیم صهیونیستی دفاع از فلسطین جدید در برابر هر تهاجم خارجی را بر عهده بگیرد به این شرط که فلسطین جدید هزینه این حمایت را بپردازد. رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی درباره هزینه‌ای که عرب‌ها باید به ارتش رژیم صهیونیستی بعنوان هزینه حمایت بپردازند، مذاکره می‌کنند.

جداول زمانی و مراحل اجرایی شدن

زمان امضای توافق

- ۱- حماس تمام سلاحش را تحویل می‌دهد و این موضوع حتی شامل سلاح فردی و شخصی رهبر حماس نیز می‌شود که باید به مصر تحویل داده شود.
- ۲- اعضای حماس حقوق ماهیانه از کشورهای عربی دریافت می‌کنند.
- ۳- مرزهای نوار غزه از طریق گذرگاه‌های رژیم صهیونیستی و مصری به روی تجارت جهانی باز می‌شود، علاوه بر آن ارتباط بازار غزه با کرانه باختری و نیز از طریق دریا باز خواهد شد.
- ۴- پس از یک سال، انتخابات دموکراتیک برای دولت فلسطین جدید برگزار می‌شود و هر فلسطینی می‌تواند برای انتخابات نامزد شود.

- ۵- یک سال پس از انتخابات، تمام اسرا ظرف مدت سه سال و به صورت تدریجی آزاد می‌شوند.
- ۶- در عرض پنج سال، بندر و فرودگاه برای فلسطین جدید تأسیس می‌شود و در این زمان، فلسطینی‌ها از فرودگاه‌ها و بندرهای رژیم صهیونیستی استفاده خواهند کرد.
- ۷- مرزها میان فلسطین جدید و رژیم صهیونیستی به روی افراد و کالاها باز خواهد شد و رژیم صهیونیستی از تعریف مرز اجتناب خواهد کرد.
- ۸- پلی معلق میان «بزرگراه» و در ارتفاع ۳۰ متری از زمین ساخته می‌شود که غزه و کرانه باختری را به هم وصل می‌کند؛ مأموریت ساخت این پل به شرکتی در چین داده شود و در هزینه آن کشورهای چین ۵۰ درصد، ژاپن ۱۰ درصد، کره جنوبی ۱۰ درصد، استرالیا ۱۰ درصد، کانادا ۱۰ درصد و آمریکا و اتحادیه اروپا ۱۰ درصد مشارکت دارند. غور اردن (منطقه‌ای میان کرانه باختری و رود اردن) مانند امروز در دست رژیم صهیونیستی باقی خواهد ماند. مسیر معروف به «۹۰» به یک مسیر چهار طرفه تقسیم می‌شود و رژیم صهیونیستی بر این موضوع نظارت خواهد کرد.

تحریم‌های در نظر گرفته شده برای نپذیرفتن معامله قرن

- ۱- در صورتی که حماس و ساف، معامله قرن را نپذیرند آمریکا تمام حمایت مالی خود را از فلسطینی‌ها قطع خواهد کرد و تلاش می‌کند تا جلوی کمک هر کشور دیگری به فلسطینی‌ها را بگیرد.
- ۲- اگر سازمان آزادیبخش فلسطین با شروط این توافق موافقت کند اما حماس و جهاد اسلامی موافقت نکنند این دو سازمان مسئولیت امر را بر عهده خواهند داشت و در هر مقابله نظامی میان رژیم صهیونیستی و حماس، آمریکا از رژیم صهیونیستی برای آسیب زدن به شخص رهبران حماس و جهاد اسلامی حمایت خواهد کرد زیرا آمریکا نمی‌پذیرد که ده‌ها نفر درباره سرنوشت میلیون‌ها نفر

تصمیم‌گیری کنند.

۳- اگر رژیم صهیونیستی معامله قرن را نپذیرد حمایت اقتصادی از آن متوقف خواهد شد.

این پیش‌نویس معامله قرن است و پس از یک ماه توافق مذکور بصورت رسمی منتشر خواهد شد.

پیش‌تر روزنامه لبنانی «الاکبار» جزئیاتی جدید از طرح دولت آمریکا علیه فلسطین موسوم به «معامله قرن» منتشر و فاش کرد اردن و مصر در مقابل موافقت، رشوه‌ای بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار دریافت می‌کنند. اردن در روزهای جاری با نگرانی‌های بسیاری در رابطه با طرح آمریکا برای مسأله فلسطین موسوم به «معامله قرن» روبه‌روست. طرح «دونالد ترامپ»، «امان» را در چند مورد تهدید می‌کند که با اسکان دائمی آوارگان فلسطینی آغاز می‌شود و به کنار زدن قیمومیت خاندان هاشمی اردن بر مقدسات قدس ختم نخواهد شد. اسناد درز کرده از سفارت اردن نشان می‌دهد در نشست سال گذشته وزیران خارجه کشورهای عربی در امان، عربستان پیشنهاد انحلال تشکیلات خودگردان و تشکیل «کشور» واحد رژیم صهیونیستی را داده است. جرد کوشنر اعلام کرده پس از ماه مبارک رمضان از معامله قرن رونمایی خواهد شد (مشرق، ۱۳۹۸).

تعویق‌های معامله قرن

در سال گذشته و به درخواست بنیامین نتانیاهو از دونالد ترامپ، اعلام جزئیات طرح «معامله قرن» به دلیل بحران سیاسی رژیم صهیونیستی به تعویق افتاد. در همان زمان عبدالباری عطوان، تحلیل‌گر معروف عربی، نوشت: درخواست «بنیامین نتانیاهو» از متحد نزدیکش، دونالد ترامپ، برای به تاخیر انداختن اعلام جزئیات طرح «معامله قرن» به دلیل بحران سیاسی که دولت اشغالگر رژیم صهیونیستی را در نتیجه شکست نظامی و اطلاعاتی اخیر در نوار غزه به دست

مردان مقاومت فرا گرفته است، ما را غافلگیر نمی‌کند. تمام بازیگران اصلی در این «معامله» از رئیس جمهوری آمریکا، «ابومازن»، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، گرفته تا «محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی که محور اصلی آن محسوب می‌شوند، با شرایط دشواری روبرو می‌شوند (النعیم، ۱۳۹۸). اخیراً نیز و با انحلال کنست رژیم صهیونیستی، بار دیگر رونمایی آمریکا از این طرح به تعویق افتاد و به ماه سپتامبر آینده و تشکیل مجدد دولت در رژیم صهیونیستی موکول شد (مهر، ۱۳۹۸).

نگاه روندمحور به رویداد معامله قرن و تفاوت روش مقابله

در این بخش بصورت مصداقی کشور عربستان و روند نقش‌آفرینی این کشور در قضیه معامله قرن بررسی شده و مورد مذاقه قرار می‌گیرد و در این اثنا تفاوت روش مقابله نیز مشخص خواهد شد. سپس وجود روندهای تعمیم گرفته از آن منتج خواهد شد و عموم جزئیات این بخش از مقاله از مقالات آقای عمادی که بصورت تخصصی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان را بررسی نموده‌اند استفاده شده است (عمادی، ۱۳۹۷). عربستان سعودی بخصوص در قرن ۲۱ مهم‌ترین قدرت عربی است. این قدرت عربی شاخصه‌هایی دارد که متحد غرب، مدافع حفظ وضع موجود در غرب آسیا، ضد انقلابی بودن و رهبری اهل سنت از مهم‌ترین این شاخصه‌ها است. رژیم صهیونیستی نیز با وجود شاخصه‌های خاصی که دارد در سه شاخصه متحد غرب، مدافع حفظ موجود و ضد انقلابی بودن با عربستان سعودی اشتراک دارد. بطور کلی روابط میان عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی را می‌توان به سه بازه زمانی تقسیم کرد:

الف - از موجودیت رژیم صهیونیستی تا آغاز دهه ۱۹۸۰

مهم‌ترین شاخصه این دوران را می‌توان تأثیرپذیری روابط از جنگ اعراب با رژیم صهیونیستی عنوان کرد. در نتیجه در این دوران، رژیم صهیونیستی

سیاست خارجی هند در قبال غرب آسیا... ۵۷

نامشروع بوده، به رسمیت شناخته نشد و روابطی نیز میان ریاض و تل آویو وجود نداشته است.

ب - از آغاز دهه ۱۹۸۰ تا آغاز قیام‌های عربی در سال ۲۰۱۱

از دهه ۱۹۸۰ نظام عربستان یک مصالحه نسبی با رژیم صهیونیستی را نشان داد و روابط مخفی نیز در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ ایجاد شد. ابتکار شاهزاده فهد در سال ۱۹۸۱ طرح صلح فاس ۱۹۸۲ و طرح ملک عبدالله که به ابتکار صلح عربی ۲۰۰۲ معروف شد همگی به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی را در مقابل دولت فلسطین و خروج کامل از قلمرو اشغال ۱۹۶۷ مطرح می‌کنند. رهبران رژیم صهیونیستی نیز به نوعی از این طرح‌ها استقبال کردند. برای اولین بار در این دوره، عربستان سعودی بعنوان یک عضو مهم در سازمان کنفرانس اسلامی (سازمان همکاری اسلامی کنونی) تغییر عمده‌ای را در دسامبر ۱۹۹۱ در دستور کار این سازمان اعلام کرد که این تغییر حذف دعوت به جهاد علیه رژیم صهیونیستی در بیانیه پایانی اجلاس سران سازمان بود (امامزاده فرد، ۱۳۹۰: ۱۷۴). در این دوره در رسانه‌ها نیز از دیدارهای مخفی میان مقامات عربستانی و رژیم صهیونیستی گزارش‌های متعددی منتشر شد. رژیم صهیونیستی‌ها در این دوران بیش از سعودی‌ها برای عادی‌سازی روابط مشتاق بودند. برای نمونه، *ایهود اولمرت* در سال ۲۰۰۸ پیشنهاد کرد که کمیته‌ای از رهبران مذهبی سعودی از سایت‌های مقدس بیت‌المقدس دیدار کنند (Teitelbaum, 2013).

پ - از آغاز قیام‌های عربی تاکنون

در این مرحله ریاض و تل آویو در جهت عادی‌سازی و تقویت روابط گام برداشتند که اوج آن بعد از مرگ ملک عبدالله و به قدرت رسیدن ملک سلمان در عربستان بود. محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، رسماً در مارس ۲۰۱۸ در آمریکا از حق موجودیت رژیم صهیونیستی دفاع و فلسطینی‌ها را مقصر شکست

مذاکرات به اصطلاح صلح با رژیم صهیونیستی معرفی کرد.

چرایی عادی سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی

از دلایل عادی سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی موارد زیادی را می توان نام برد، برای مثال:

الف - وقایع پس از بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱، تحولات سوریه و شدت گرفتن بی نظمی در غرب آسیا

در فرآیند عادی سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی یکی از مهم ترین دلایل، وقوع تحولات پس از بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱، تحولات سوریه و شدت گرفتن بی نظمی در غرب آسیا بود. هر دو کشور رژیم صهیونیستی و حکومت سعودی حفظ وضع قبلی را در مطلوب می دانستند. عربستان و رژیم صهیونیستی این تحولات را از دریچه نگاه مشترکی تحلیل نموده و آن را تهدیدی جدی علیه خود تلقی می کردند چراکه برکناری حکومت های سنتی و وابسته مانند *زین العبادین بن علی* (تونس) و حسنی مبارک (مصر) تقویت محور نزدیک به ایران را در پی داشت. حکومت سعودی و رژیم صهیونیستی خواسته یا ناخواسته، بطور مستقیم یا غیرمستقیم، عملاً با یکدیگر علیه این تهدید مشترک متحد شدند.

در نهایت با دخالت کشورهای وابسته به بلوک غرب در تحولات غرب آسیا، مسئله فلسطین و اتحاد جهان اسلام علیه رژیم از کانون توجهات خارج شد و تحولات غرب آسیا شکل ملی گرایانه به خود گرفت. از نگاه «کوبی میشل»، که از پژوهشگران موسسه مطالعات امنیت ملی دانشگاه تل آویو است، عربستانی ها نسبت به گذشته کمتر از قبل به موضوع فلسطین تقید و تعهد دارند (Alsaafin, 2017) و این موضوع باعث شده است که رژیم صهیونیستی احساس امنیت بیشتری نموده و وضعیت امنیتی آن نسبت به قل بهبود یابد.

درگیر شدن بازیگران غرب آسیا به مقابله با ناامنی، افراط‌گرایی و موضوعات داخلی در کنار مشغول بودن جمهوری اسلامی ایران به تأمین امنیت متحدانش (به ویژه سوریه) که عملاً این کشور را وارد جنگی واقعی کرد و نیروی زمینی ایران را به شدت درگیر کرد، باعث شد تهدید بی‌نظمی‌های غرب آسیا برای رژیم صهیونیستی به فرصت بدل شده و سران این حکومت با تشدید بی‌نظمی‌ها در غرب آسیا به اوج تمایلات خود در ایجاد حصار امن در منطقه برای رژیم برسند یکی یک فقره از آن‌ها نیز همکاری و حمایت از خط و نگاه حاکمان شبه جزیره در تحولات غرب آسیا بود که باعث شد عربستان و تل‌آویو به یکدیگر نزدیک شوند.

ب - ایران؛ حساس‌ترین بازیگر و تهدیدی یکسان برای هر دو کشور

قطعا مدل نگاه سعودی به ایران و تعامل ایشان، از مؤثرترین عوامل عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی تلقی می‌شود. کاهش تعامل مثبت ایران و سعودی در چند سال قبل از معامله قرن و تبدیل «رقابتی مثبت و سازنده» به «دشمنی جدی و بازدارنده» به گونه‌ای محقق شده است که روابط دیپلماتیک تهران - ریاض از ۲۰۱۶ قطع و سفارت‌های دو کشور در خاک یکدیگر بسته شد. از نگاه «کوبی میشل»، که از پژوهشگران موسسه مطالعات امنیت ملی دانشگاه تل‌آویو است، ایران تهدیدی مشترک و جدی برای عربستان، اردن، مصر و برخی دولت‌های دیگر عربی به جز قطر است. تحولات سوریه، برنامه هسته‌ای ایران و قدرت ناشی از آن، و نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی در سوریه و لبنان و عراق، عواملی بودند که وحدت رویه رژیم و حکومت سعودی در آن‌ها مشهود بود و اشتراک منافع این دو کشور به اشتراک موضع و کنش منجر شد. بررسی مدل کنش حاکمان شبه جزیره حاکی از آن است که ایشان قوی شدن ایران در تحولات غرب آسیا را مانعی جدی بر سر راه سیاست‌های خویش دانسته و با تمام توان با آن مقابله می‌نمایند. (Alsaafin,)

2017). عملاً عربستان نه تنها تغییر موازنه قدرت به سود ایران را بر نمی‌تابد، حتی تلاش می‌کند به کمک رژیم، کفه ترازوی این موازنه را به سمت خویش سنگین سازد.

هنری کیسینجر تهدید اصلی برای رژیم صهیونیستی را نه از سوی ارتش‌های کلاسیک بلکه از سوی سازمان‌هایی که مهم‌ترین آنرا حزب الله خواند، عنوان می‌کند: «حزب الله سازمانی‌ترین و مجهزترین ساختاری است که حمله به رژیم صهیونیستی را در برنامه‌های خود دارد، هرچند، آنرا موکول به ثبات شرایط در سوریه و بازگشت به وضعیت عادی کرده است، در حالی که پایان حکومت داعش، خروج قدرت‌های بزرگ از منطقه و تقویت موضع ایران و حزب‌الله بدترین سناریو برای رژیم صهیونیستی است» (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۸۴). بعبارت دیگر رژیم صهیونیستی همچنان با تهدید اصل وجود مواجه است اما از وسعت این تهدید کاسته شده زیرا کشورهای عربی، دیگر وجود رژیم صهیونیستی را تهدید نمی‌دانند و عادی‌سازی روابط حتی تهدید حداقلی از سوی کشورهای عربی را نیز به نوعی از بین می‌برد.

بنابراین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، جمهوری اسلامی ایران و متحدان منطقه‌ای آن بخصوص حزب الله لبنان و حماس را تهدید مشترک خود می‌دانند و این درک مشترک سبب شد تل‌آویو و ریاض به سمت عادی‌سازی روابط حرکت کنند.

پ - دخالت‌های آمریکا

سه‌گانه عربستان، رژیم صهیونیستی و آمریکا شاید اصلی‌ترین ائتلاف نیمه‌پنهان منطقه غرب آسیا محسوب شود. این سه کشور بزرگ‌ترین، اصلی‌ترین و مهم‌ترین متحدان یکدیگر در دنیا هستند و این یکی دیگر از اشتراک‌های رژیم و عربستان سعودی است. گریگوری گس، یکی از پژوهشگرانی است که تمرکز خویش را بر مسائل عربستان سعودی قرار داده است و این کشور از

سیاست خارجی هند در قبال غرب آسیا... ۶۱

«وابستگی کلاسیک» در روابط خویش با آمریکا بهره جسته و در حالی که در موقعیت وابسته قرار داد، حد مشخصی از استقلال در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد را برای خویش نگه داشته است. شاهدمثال این مسئله، قرارداد ۴۰۰ میلیارد دلاری‌ای است که در سال ۲۰۱۷ میان ایالات متحده و عربستان سعودی امضا شد و بالغ بر ۵۰ درصد از ذخایر ارزی سعودی را تقدیم آمریکا کرد.

رابطه مذکور در دوران ترامپ به اوج خود رسید و ایالات متحده به صورت همزمان هم از رژیم صهیونیستی و هم از عربستان سعودی حمایت‌های بسیاری داشت و تلاش کرد جهت نیل به مقاصد اقتصادی آمریکا، از بودجه نفت دولت سعودی هزینه کند. این رابطه البته بی‌پاسخ نماند و لابی رژیم در ایالات متحده حمایتی بی‌دریغ از دولت ترامپ داشت و با فشار لابی سعودی در آمریکا نیز رابطه متقابلی در حوزه مقصرین روابط ۱۱ سپتامبر و مرکز تجارت جهانی شکل گرفت که طی آن نوک پیکان اتهام از عربستان برداشته شد و اسناد ویژه آن منتشر نشد. درک تهدیدی مشترک برای رژیم و سعودی یعنی ایران، از سوی ایالات متحده و مقابله جدی با آن علاوه بر آن که سیاست خود آمریکاست عاملی برای تقویت سه‌گانه ذکر شده و اتحاد و اشتراک بیشتر رژیم و عربستان سعودی شد که البته این مسئله دستاویزی برای پیش‌برد سیاست‌های خود آمریکا در قبال ایران از طریق دو عنصر دیگر مثلث یعنی رژیم و عربستان سعودی نیز بود. بدین‌طریق سیاست آمریکا در متحد کردن همکاران اصلی خود در مقابله با ایران و نفوذش در منطقه و همچنین سرکوب همفکران مقاومتی ایران در منطقه و جهان با تأکید بر این اتهام که ایران تفکر و کنش «بی‌ثبات کننده» در منطقه دارد، پیش‌رفت (آجرلو، ۱۳۹۷: ۲۳۲).

عملی شدن ایده معامله قرن، در حقیقت تحقق مهم‌ترین راهبرد ترامپ در منطقه بود که جهان اسلام را از جنجال قضیه فلسطین جدا می‌کرد و این مهم بدون همکاری حکومت عربستان سعودی هیچ‌گاه نمی‌توانست میسر شود. وعده

پادشایی به بن سلمان نیز تکمیل کننده قطعه دیگری از این پازل است چراکه خود بن سلمان نیز می‌داند که مطابق روال اصلی جانشینی شاهزادگان و بدون حمایت آمریکا به این منصب نخواهد رسید و طبیعتاً شرط ایالات متحده نیز برای کمک به این مسئله تن دادن ریاض به معامله قرن خواهد بود. می‌توان نتیجه گرفت که تهدیدی مشترک مانند ایران مثلث ویژه‌ای از آمریکا و سعودی و رژیم ساخته است که این مثلث در راستای مهار ایران و متحدان مقومتی‌اش از خنثی‌سازی جدی‌ترین و مهم‌ترین مسئله جهان اسلام برای اتحاد با ایران یعنی فلسطین بهره جسته و طرح معامله قرن را در بوته آزمایش قرار دادند.

پیامدهای عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی بر امنیت ایران

عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران پیامدهایی خواهد داشت که برخی از این پیامدها در دو بعد تهدید و فرصت عبارتند از:

الف - تهدیدها

برخی از مهم‌ترین تهدیدهایی که علیه جمهوری اسلامی ایران در اثر عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی ایجاد می‌شود، عبارتند از:

✳️ بازآفرینی ایران‌هراسی و افزایش تهدیدها علیه ایران

یکی از مهم‌ترین پیامدهای عادی‌سازی روابط ریاض - تل آویو، بازآفرینی ایران‌هراسی است. جمهوری اسلامی ایران تلاش زیادی انجام داد تا سیاست ایران‌هراسی آمریکا با شکست مواجه شود که تا حدود زیادی نیز این هدف از طریق توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ موسوم به «برجام» محقق شد. عربستان و رژیم صهیونیستی بخصوص پس از اجرایی شدن برجام از ژانویه ۲۰۱۶ سعی

کردند ایران‌هراسی را با به چالش کشیدن سیاست منطقه‌ای ایران و همچنین توانمندی موشکی آن احیا کنند. به قدرت رسیدن دونالد ترامپ این فرصت را در اختیار عربستان و رژیم صهیونیستی قرار داد تا به این هدف خود دست یابند که به نوعی می‌توان گفت یکی از دلایل خارج شدن آمریکا از برجام نیز مربوط به این رویکرد تل‌آویو و ریاض است.

اگرچه جنگ عربستان سعودی علیه یمن، تداوم محاصره غزه و جنایت‌های رژیم صهیونیستی علیه فلسطین و همچنین الگوی رفتاری ائتلاف افکن ترامپ در قبال اتحادیه اروپا سبب می‌شود که ایران‌هراسی مانند گذشته تبعات منفی برای جمهوری اسلامی ایران نداشته باشد اما با این حال، عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی می‌تواند تهدیدهای امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهد که از جمله می‌توان به همکاری آنها برای ایجاد آشوب‌های داخلی در ایران، همکاری برای ایجاد و برجسته‌سازی نارضایتی داخلی در ایران، همکاری برای ایجاد ناامنی در ایران نظیر حوادث تروریستی سال گذشته در حرم امام و مجلس شورای اسلامی و همچنین حمایت مشترک عربستان و رژیم صهیونیستی از گروه‌های مخالف ایران از جمله گروهک تروریستی منافقین اشاره کرد.

* تقویت احتمال حمله نظامی به متحدان منطقه‌ای ایران

یکی از مهم‌ترین پیامدهای عادی‌سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، تقویت احتمال حمله نظامی به متحدان ایران بخصوص حزب الله لبنان است. رژیم صهیونیستی، حزب‌الله لبنان را دشمن اصلی خود می‌داند. عربستان و رژیم صهیونیستی، حزب‌الله لبنان را بازوی اصلی ایران در غرب آسیا می‌دانند. در عین حال عربستان و رژیم صهیونیستی که از تحریک آمریکا برای حمله نظامی حتی محدود علیه ایران ناامید شدند، ممکن است از طریق حمله به حزب‌الله لبنان تلاش کنند بطور غیرمستقیم با ایران وارد جنگ شوند تا

هم ایران را درگیر یک جنگ منطقه‌ای کنند و هم اینکه مانع تداوم افزایش قدرت حزب‌الله در داخل لبنان و در سطح منطقه‌ای شوند. سعود الفیصل، وزیر خارجه سابق عربستان سعودی، در سال ۲۰۰۸ پیشنهاد حمله آمریکا یا هرگونه تهاجمی را با پشتیبانی ناتو به جنوب لبنان به منظور پایان دادن به قدرت حزب الله ارائه داد (دیویدسون، ۱۳۹۲: ۳۰۴). از سوی دیگر منافع رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی ایجاب می‌کند که از طریق جنگ علیه ایران، هزینه‌های اقتصادی سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهند و با تبلیغات گسترده رسانه‌ای، افکار عمومی داخلی ایران را در مخالفت با سیاست منطقه‌ای آن هدایت کنند.

ب - شکل‌گیری بلوک جدیدی در غرب آسیا

نامید شدن عربستان و برخی از کشورهای عربی متحد ریاض از ائتلاف‌سازی با ترکیه، افزایش تنش میان ریاض و متحدانش با قطر و همزمان عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی می‌تواند سبب شکل‌گیری بلوک جدیدی در منطقه غرب آسیا متشکل از عربستان، رژیم صهیونیستی، مصر، امارات، بحرین و اردن شود. اگرچه رسمی شدن این بلوک ممکن است مانند ایجاد روابط رسمی دیپلماتیک میان رژیم صهیونیستی و عربستان در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نباشد، اما این بلوک بطور غیررسمی در حال شکل‌گیری است. شکل‌گیری چنین بلوکی می‌تواند چالش‌های سیاسی و امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند که از جمله این چالش‌ها نیز بین‌المللی کردن مسائل مربوط به ایران و فضا‌سازی منفی علیه ایران نظیر آنچه که درباره مداخله تهران در جنگ یمن گفته می‌شود، باشد.

*** فرصت: تقویت قدرت نرم ایران در جهان اسلام**

یکی از دیدگاه‌هایی که درباره پیامد عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و

عربستان برای ایران مطرح است، این است که این اتفاق صرفاً افزایش تهدیدها علیه ایران نیست بلکه می‌تواند فرصت ایران باشد و جایگاه منطقه‌ای آنرا تقویت کند. یکی از واقعیت‌های مهم در سطح منطقه غرب آسیا این است که افکار عمومی در این منطقه نه تنها عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را نمی‌پذیرد بلکه این الگوی رفتاری می‌تواند عامل سقوط دولت‌ها باشد که یکی از دلایل قیام‌های عربی سال ۲۰۱۱ نیز نوع رابطه دولت‌ها با رژیم صهیونیستی بود. مردم مصر در سال ۲۰۱۱ با حمله به سفارت رژیم صهیونیستی در قاهره، انزجار خود را از رژیم صهیونیستی نشان دادند. در همین حال پس از اینکه دونالد ترامپ در دسامبر ۲۰۱۷ قدس را بعنوان پایتخت رژیم صهیونیستی اعلام کرد، مردم در کشورهای عربی با برگزاری تظاهرات گسترده مخالفت خود را نشان دادند. انزجار افکار عمومی در کشورهای عربی یکی از مهمترین عللی است که سبب شد تاکنون روابط رسمی دیپلماتیک میان اغلب این کشورها بخصوص عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی ایجاد نشود. در حالی که عربستان سعودی تاکنون از موضوع فلسطین برای مانور قدرت نرم خود بهره می‌گرفت و در عین حال خود را رهبر و حامی اهل سنت نشان می‌داد، عادی‌سازی روابط با تل آویو می‌تواند قدرت نرم ریاض را تضعیف کرده و فرصتی جهت بهره‌گیری ایران از ظرفیت‌های قدرت نرم خود فراهم کند زیرا ایران می‌تواند بر این موضوع مانور دهد که نگاه فرقه‌ای به سیاست و قدرت در غرب آسیا ندارد و در حالی که عربستان مدعی رهبری اهل سنت، آرمان‌های فلسطین را قربانی روابط با رژیم صهیونیستی کرد، ایران از فلسطین که کشوری سنی است، حمایت می‌کند. «محبوب زویری»، محقق دانشگاه قطر در این خصوص عنوان می‌کند که: «علت تقویت روابط رژیم صهیونیستی با عربستان به مسائل داخلی عربستان از جمله تغییرات سیاسی و تمایل به یکپارچه کردن قدرت مربوط است و ایران دلیل واقعی نیست بلکه بهانه است و ایران چندان نگران این روابط ریاض و تل آویو نیست زیرا این روابط به ایران

کمک می‌کند که قدرت نرم خود را در منطقه تقویت کند و خود را به عنوان سنگر مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی حفظ کند» (Alsaafin, 2017).

نتیجه‌گیری

نگاه روندمحور به معامله قرن باعث می‌شود فضا سازی تبلیغاتی، اعلام قطره‌چکانی یا یکباره جزئیات این نقشه یک رویداد تلقی نشود. رویدادی که هر مرحله از آن پس از فراهم آمدن تمام مقدمات اجرا و حتی شکل‌گیری بخشی از فرآیند اجرا اعلام می‌شود و مخالفان را در موضع واکنش قرار می‌دهد و قدرت کنش و پیش‌دستی را از ایشان می‌گیرد.

حساس بودن بر جزئیات دیدارها، به رسمیت شناختن‌های سیاسی، صادرات و واردات از رژیم صهیونیستی و ... مؤلفه‌های روندی کنشی برای مقابله با معامله قرن هستند که رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند آنها را در محاسبات دولت‌های اسلامی نسبت به اصل واقعه معامله قرن در اولویت‌های پایین‌تر قرار دهد و حساسیت‌ها را نسبت به آنها کم کند، حال آنکه معامله قرن و فضا سازی رسانه‌ای حول آن بر همین گام‌ها بنا شده است. تمایل عربستان و رژیم صهیونیستی برای عادی سازی روابط را می‌توان یکی از مهم‌ترین رخدادها در غرب آسیا عنوان کرد. برگزیدن رژیم صهیونیستی بعنوان یک شریک منطقه‌ای توسط عربستان سعودی انعکاس نظم شکسته شده غرب آسیا است که نتیجه سیاست دو دهه اخیر ایالات متحده در این منطقه می‌باشد. عربستان در جهت حفظ هویت سنی‌اش و اتحاد با بازیگران ضد ایران شیعی حرکت می‌کند. رژیم صهیونیستی نیز برای خروج از انزوای ژئوپلیتیکی مسیر عادی سازی با عربستان سعودی را در پیش گرفته است که نفوذ زیادی در جهان عرب دارد و به تبع آن کشورهای دیگری نیز در جهت عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی اقدام خواهند کرد که از جمله می‌توان به تبعیت بحرین و امارات متحده عربی اشاره کرد. با این حال بعید است که عادی سازی روابط سبب شود عربستان سعودی و

رژیم صهیونیستی متحدانی در سیاست‌های منطقه‌ای باشند بلکه در بهترین وضعیت در جهت ایجاد روابط نزدیک‌تر حرکت می‌کنند. بیش از آنکه عربستان سعودی از عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی منتفع شود، این رژیم صهیونیستی است که از این شرایط سود می‌برد. عادی‌سازی روابط اگرچه همچنان گویای این اصل قدیمی است که «رژیم صهیونیستی سیاست خارجی ندارد بلکه تنها سیاست دفاعی دارد» (جونز، ۱۳۹۰: ۲۲۱)، اما در عین حال نشان‌دهنده فاصله گرفتن رژیم صهیونیستی از این اصل و راهبرد سیاست خارجی آن نیز است.

بررسی مصداقی عربستان نشان داد که انتظار برای رونمایی از رویداد معامله قرن، در حقیقت روندی است که به پذیرش ذهنی و روانی جامعه جهانی از نابودی فلسطین مستقل از بحر تا نهر دامن می‌زند و جزئیات این روند در حال پیاده‌سازی است و این نگاه رویدادمحور به معامله قرن باعث شده است کنشگران حامی فلسطین بدنبال واکنش مؤثر به این رویداد باشند و تلاش کنند اثر رویداد اعلامی را بکاهند، حال آنکه این رویداد اعلامی، روندی اعمالی در پس تبلیغات خود دارد و راه عرصه کنش پیش‌دستانه جهانیان در حمایت از فلسطین بسته نیست و شناسایی گام‌ها و مؤلفه‌های روند توضیح داده شده، می‌تواند بجای واکنش منفعلانه به پیشگیری و کنش فعالانه منجر شود.

منابع

فارسی

- ایومن، محمدصالح، رستمی؛ فرزاد، کرمان؛ هایلی، کرم رضا، (۱۳۹۵)، نظام امنیت منطقه ای در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی عراق پساصدام، راهبرد، بهار ۱۳۹۵، سال بیست و پنجم، شماره ۷۸، ص ۱۹۱ تا ۲۲۰.
- بی‌نا، تابناک، (۱۳۹۸)، ۹۸، ۱۰، ۱، <https://b2n.ir/627543>.
- بی‌نا، مشرق، (۱۳۹۸)، ۹۸، ۱۰، ۱، <https://b2n.ir/627543>.
- عطوان، عبدالباری، (۱۳۹۸)، النعیم، <http://news.alnaeem.tv/fa/?p=2067>.
- بی‌نا، مهر، (۱۳۹۸)، ۹۸، ۱۰، ۱، <http://mehrnews.com/news/4629629>.
- عمادی، سیدرضی، (۱۳۹۷)، «عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت ایران، شمس»، <http://npps.ir/ArticlePreview.aspx?id=182255>، ۹۸، ۱۰، ۱.
- علامه مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۲ش)، زندگانی حضرت امام حسن مجتبی (ع)، ترجمه محمدجواد نجفی، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.
- صفوی، کورش، (۱۳۷۹)، درآمدی بر معنی‌شناسی، چ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

References

- Rosato and Schuessler, Sebastian and John, (2011), "A Realist Foreign Policy for the United States, Perspectives on Politics", *American Political Science Association*, Vol. 9, No. 4, pp. 803-819.
- Elman, Miriam Fendius, (1995), "The Foreign Policies of Small States: Challenging Neorealism in Its Backyard", *British Journal of Political Science*, Cambridge University Press, Vol. 25, No. 2 (Apr. 1995), pp. 171-217.
- Fauconnier, Gilles, (1994), *Mental Spaces: Aspect of Meaning Construction Innatural Language*, Second Edition, Cambridge: Cambridge University Press,

- Fauconnier, Gilles (1997), *Mapping in Thought and Language*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Walt, Stephen Martin, (2012), "Theory and Policy in International Relations: Some Personal Reflections", *Yale Journal of International Affairs*, Vol. 7. No. 2, pp: 33-43.
- Cambridge Online Dictionary, address: <https://dictionary.cambridge.org>.
- Walt, Stephen Martin, (2005), "The Relationship between Theory and Policy in International Relations", *Annual Review of Political Science*, Vol. 8 Issue 1, pp. 23-48.
- Waltz, Kenneth Neal, (1988), "The Origins of War in Neorealist Theory", *Journal of Interdisciplinary History*, Published by: The MIT Press, Vol. 18, No. 4, The Origin and Prevention of Major Wars, pp. 615-628.